

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد

برنامه ریزی رفاه اجتماعی

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در شهروندان تهرانی

استاد راهنما: دکتر جعفر هزار جریبی

استاد مشاور: دکتر عزت الله سام آرام

استاد داور: دکتر حسین پناهی

پژوهشگر: محبوبه حامد

## چکیده:

تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی صورت پذیرفته است. احساس امنیت به عنوان متغیر وابسته بر اساس شاخصهای امنیت انسانی در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ مورد سنجش قرار گرفته شده است. سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل با ۴ عنصر شبکه روابط، تعاملات، اعتماد و آگاهی و توجه سنجیده شده است. در پژوهش حاضر روش تحقیق روش پیمایشی از نوع همبستگی می باشد، جامعه آماری شامل کلیه شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن شهر تهران، روش نمونه گیری، طبقه بندی متناسب و حجم نمونه ۳۹۰ نفر می باشد. برای تجزیه و تحلیل دادهها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. در این پژوهش همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر بررسی شده اند. عمده ترین نتیجه تحقیق عبارتست از اینکه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. از میان عناصر سرمایه اجتماعی، عنصر اعتماد بیشترین همبستگی را با احساس امنیت دارد.

واژگان کلیدی: احساس امنیت<sup>۱</sup>، سرمایه اجتماعی<sup>۲</sup>، شبکه روابط<sup>۳</sup>، تعاملات اجتماعی، اعتماد<sup>۴</sup>، آگاهی و توجه<sup>۵</sup>.

---

1. feelings of security

2. social capital

3. Social relation networks

4. social trust

5. knowledg and attention

# فصل اول

## کلیات تحقیق

### ۱ - ۴ - طرح مساله :

از ابتدای شکلگیری حیات اجتماعی، انسانها همواره با مسئله محافظت از خود در مقابل تهدیدات مواجه بوده‌اند و در واقع از گرد آوری خوراک و شکار گرفته تا جوامع امروزی مسئله ایجاد ثبات، صلح و محیطی امن، همواره در دستور کار جوامع قرار داشته است. باید توجه داشت که حدود و ثغور مفهومی امنیت در مقاطع مختلف حیات بشر به یک اندازه نبوده است. روشن است که در جوامع جدید و با توجه به گسترش نهادهای اجتماعی جدید و پیچیده‌تر شدن حیات اجتماعی، امنیت نیز ابعاد و شاخه های جدید یافته است.

هدف از بیان موارد فوق تأیید این امر است که مسئله امنیت در سالهای اخیر از جایگاه قابل ملاحظه‌ای در عرصه دانش علمی علوم اجتماعی برخوردار شده است. جامعه ایران از دیرباز با مسئله حفظ خود در مقابل تهدیدات بیرونی مواجه بوده است. موقعیت ژئوپولیتیک و همچنین شرایط اقلیمی، جامعه ایرانی را از دیرباز با مسئله حفظ بقای خود درگیر کرده است. قرار گرفتن ایران در مسیر راههای تجاری عمده و اهمیت بودن جایگزین این کشور به عنوان محل تلاقی راههای بازرگانی و تجاری عمده جهان و پل ارتباط دهنده سه قاره مهم جهان از یک سو و پراکندگی سرزمینی و فلایت نسبتاً خشک و کمبود آب از سوی دیگر تاریخ این کشور را عرصه نزاع های داخلی و خارجی و اختلاط دائمی فرهنگ ها ساخته است.

از همین رو و بنابه ویژگی فرهنگ سیاسی و عمومی ایرانیان تحت تأثیر تهدیدات مختلف درونی و بیرونی شکل خاصی به خود گرفته است. با رشد و گسترش شهر نشینی و ایجاد نهادهای اجتماعی جدید، مسئله امنیت در کشور نیز ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. بویژه آنکه ایران همواره با مسئله گذار درگیر بوده است. وضعیتی که در آن جامعه نه کاملاً در حالت مدرن و جدید قرار دارد و نه کاملاً از اشکال سنتی برخوردار است. حالتی دوگانه که در آن شرایط خاصی بروز میکنند. بدیهی است که این وضعیت بر شهروندان و اوضاع و احوال رفتاری و روانی آنها تأثیر خواهد گذاشت، بویژه آنکه ویژگی عصر حاضر یعنی تعدد رسانهها و دسترسی بیشتر به اطلاعات، تعاملات آنان با دنیای بیرون را افزایش داده است.

امنیت و احساس امنیت از موضوعات بین رشته ای است که در سالهای اخیر به آن توجه ویژه‌ای شده است. هر یک از حوزه های جامعه شناسی، روانشناسی اجتماعی، مطالعات امنیتی، علوم سیاسی و حتی فلسفه از منظر خاصی به زوایای متفاوتی از امنیت و احساس امنیت پرداخته اند.

امنیت به واسطه اینکه همواره از دغدغه های بشری در طول تاریخ بوده است بنابراین همواره در نظریات متفکران و علما قابل پی گیری و شناسایی است. اگر چه در بسیاری از مکتوبات از جمله آثار افلاطون و ارسطو به صورت شفاف و واضح به مساله امنیت پرداخته‌اند اما میتوان گفت آنها موضوع امنیت را به عنوان یکی از کار ویژه های اصلی حکومتها مورد تاکید قرار داده اند. «ارسطو به تقریب و افلاطون به تاکید "عدالت" را به عنوان بنیادیتترین وسیله و ابزار حکومت برای نیل به امنیت تصور کرده‌اند.» (بیات : ۱۳۸۸: ۱۳).

احساس امنیت با طرح مسائلی چون جامعه خطرپذیر، امنیت وجودی و امنیت ذهنی و رفاه اجتماعی، بعد از دهه ۶۰ میلادی در قرن بیستم وارد مطالعات تجربی شد و مطالعات و پژوهشهای متعددی با سنجش "موقعیتهای خطر زا" به اندازهگیری و سنجش احساس امنیت پرداختند، بدین گونه ادبیات نظری احساس امنیت فراتر از ادبیات نظری خود "امنیت"، توسعه و گسترش پیدا کرد (بیات، ۱۳۸۸: ۹). نمی توان احساس امنیت را روی دیگر سکه امنیت در نظر گرفت چرا که احساس امنیت را باید به عنوان موضوعی مستقل در نظر گرفت که «در فضای جامعه با منطق خاصی تولید، حفظ و باز تولید می شود» (بیات، ۱۳۸۸: ۹). همچنان که بیان شد، مطرح شدن مسائلی چون جامعه خطر پذیر، امنیت وجودی و امنیت ذهنی و رفاه اجتماعی، مستلزم توجه بیشتر به احساس امنیت است و برخی از نظریه پردازان، موضوع احساس امنیت را از حیث اهمیت و ضرورت توجه، بر خود "امنیت" توجیح می دهند و تجزیه و تحلیل و مطالعه ابعاد گوناگون آنرا در شرایط امروز جامعه، مهمتر از موضوع امنیت می دانند.

از آنجا که «این احساس ناشی از تجربه های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی است و فقط به شاخص های امنیت قابل تقلیل نیست» (دلاور، ۱۳۸۴: ۵) و از آنجا که افراد مختلف به صورتهای گوناگون آنرا تجربه میکنند و ش راطع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی افراد مختلف باهم متفاوت است، برداشتهای ذهنی آنها نیز از واقعیتهای مختلف و نیز احساسی که آنها در مواجهه با آن خواهند داشت با هم متفاوت است. همین برداشتها مهمترین نقش را در ایجاد احساس امنیت و یا ناامنی در افراد بازی می کند. امنیت یکی از نیازهای اساسی انسان و از شاخصهای توسعه است و تامین نظم و امنیت فی نفسه از اهمیت فراوانی بر ای حیات جوامع برخوردار بوده است. احساس امنیت یکی از شاخصهای اساسی رفاه اجتماعی محسوب می شود. احساس امنیت با ابتناء بر رفاه اجتماعی با سه شاخص قابل تعریف است: (۱) آرامش خاطر نسبت به تداوم شرایط رضایت بخش موجود (۲) اطمینان خاطر نسبت به آینده (۳) فقدان تهدیدها. (بیات، ۱۳۸۸: ۶)

اساسا به بررسی احساس امنیت از منظر سه رویکرد مطالعات امنیتی، جامعه شناسی و روان شناسی پرداخته شده است. در رویکرد مطالعات امنیتی دو دسته از نظریهها و نظریه پردازان جای میگیرند که عبارتند از طیف سنتی و طیف مدرن اجتماعی. در این گروه از نظریه ها به امنیت و احساس امنیت از منظر قدرت در روابط سیاسی نگریسته شده است. از این حیث در مطالعات سنتی، امنیت و احساس امنیت به عنوان فراغت ذهنی و عینی از تهدید تعریف میشوند، در رویکرد اجتماعی (مدرن)، امنیت و احساس امنیت در بستر زمینههای اجتماعی و فرهنگی تبیین و تعریف می شوند (بیات، ۱۳۸۸: ۱۰). «پیتر کاتز

نشتاین<sup>۶</sup> اظهار می دارد «درک سیاسی انسان معاصر به میزان زیادی تحت تاثیر ساختها و مولفه های اجتماعی قرار گرفته و همین امر منجر شده است که چارچوبهای نظری سنتی که بیشتر "قدرت محور" بودند کارائی خود را از دست بدهند و نسل تازه‌های از نظریه‌ها متولد شوند که داعیه "اجتماع محوری" دارند» (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۲). این روند کلیه حوزه‌های مطالعاتی انسان را تحت تاثیر قرار داده است. در حوزه جامعه‌شناسی، احساس امنیت در یک نظام اجتماعی بر بستر عامل - ساختار تبیین شده است و از این حیث احساس امنیت به عنوان یک احساس ذهنی کنشگر در فرآیند زیست اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (بیات، ۱۳۸۸: ۱۰).

آنچه در این پژوهش مد نظر قرار گرفته شده است از منظر رویکرد اجتماعی است که امنیت و احساس امنیت را در بستر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی تبیین و تعریف میکند. سرمایه اجتماعی، به عنوان شاخصی مهم در کنش اجتماعی و مورد توجه جامعه‌شناسی معاصر یکی از زمینه‌های اجتماعی است که می‌تواند بر احساس امنیت افراد مؤثر واقع شود. با توجه به اینکه همگان در مقوله احساس امنیت تجارب مشترکی ندارند و متغیرهایی چند بر میزان احساس امنیت در شهروندان مؤثر است، در پی آن بوده ایم براساس رویکرد مدرن (رویکرد اجتماعی)، چقدر احساس امنیت می‌تواند از مؤلفه اجتماعی سرمایه اجتماعی تاثیر بپذیرد. همچنین بررسی شده که شهروندان تهرانی تا چه اندازه احساس امنیت دارند؟

## ۱ - ۴ - ضرورت و اهمیت موضوع

به طور کلی مجموع احساس امنیت و ضریب امنیت بالا یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی و بسامان بودن جوامع است. همچنین احساس امنیت خاطر، یکی از عمده‌ترین شاخصهای رفاه اجتماعی است که نبود آن حتی برخورداری از سایر شاخصهای رفاه اجتماعی را تحت تاثیر قرار میدهد. همچنانکه مازلو در تقسیم بندی خود از نیازها، نیاز به امنیت را بلافاصله پس از نیازهای فیزیولوژیک قرار داده است. وضعیت فعلی جامعه ما لزوم توجه به مسئله امنیت شهروندان در ابعاد و زوایای مختلف را ضروری ساخته است. بحرانی بودن احساس امنیت قطعاً در رفتار شهروندان تأثیر مخربی خواهد نهاد و آنان را از ایجاد روابط

---

<sup>۶</sup>.peter kazenstein

مطلوب و پیشرفت فردی ناتوان خواهد ساخت. در واقع زیستن توأم با اضطراب و ترس طبق گفته روانشناسان وضعیت خوشایندی نیست. از طرف دیگر در جامعه ایران که دستیابی به رفاه اجتماعی یکی از مهمترین خواستههای مردم و به عنوان غایت توسعه از مهمترین اهداف مسئولین و برنامه ریزان بوده است، پرداختن به موضوع امنیت به عنوان یکی از شاخص های توسعه و رفاه اجتماعی ضروری است. با کاهش امنیت، آرمان های او تخفیف می یابد؛ تعالی جامعه، رشد فکر و اندیشه، توسعه و رشد استعدادها، همگی ریشه در عنصر امنیت دارد. علاوه بر این دغدغه کاربردی، پژوهش حاضر سعی خواهد داشت با بررسی رابطه و پیوند سرمایه اجتماعی با احساس امنیت به تبیین میزان احساس امنیت در شهروندان تهرانی پرداخته تا از این طریق به راه حلی برای ارتقاء احساس امنیت در شهروندان دست یازیم.

#### ۱ - ۳ - اهداف تحقیق:

۱. تبیین میزان احساس امنیت با توجه به میزان سرمایه اجتماعی شهروندان
۲. تعیین میزان احساس امنیت در ابعاد وجودی آن در بین شهروندان تهرانی
۳. شناخت ارتباط بین شاخصهای سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی

#### ۱ - ۴ - سوالات تحقیق:

- آیا بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد؟
  - آیا بین اعتماد و احساس امنیت شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد؟
  - آیا بین میزان عضویت شهروندان در شبکه روابط اجتماعی و احساس امنیت آنها رابطه معنی داری وجود دارد؟
  - آیا بین میزان تعاملات شهروندان و احساس امنیت آنها رابطه معنی داری وجود دارد؟
  - آیا بین میزان آگاهی و توجه شهروندان و احساس امنیت آنها رابطه معنی داری وجود دارد؟
- آیا تفاوت معنی داری در میانگین احساس امنیت میان ۲ جنس زن و مرد وجود دارد؟

- آیا بین سن افراد و احساس امنیت آنها رابطه معنی داری وجود دارد؟
- آیا بین درآمد (هزینه ماهیانه خانوار) افراد و احساس امنیت آنها رابطه معنی داری وجود دارد؟
- آیا بین میزان تحصیلات افراد و احساس امنیت آنها رابطه معنی داری وجود دارد؟
- آیا بین وضعیت اشتغال و میزان احساس امنیت شهروندان تفاوت معنی داری وجود دارد؟
- آیا بین وضعیت تاهل و میزان احساس امنیت تفاوت معنی داری وجود دارد؟
- آیا بین وضعیت مسکن و میزان احساس امنیت تفاوت معنی داری وجود دارد؟



# فصل دوم

## مبانی نظری پژوهش

### مبانی نظری:

همانطور که ذکر شد مساله اصلی پژوهش حاضر رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت شهروندان است که دو حوزه نظری اصلی نظریه‌های مرتبط با احساس امنیت و سرمایه اجتماعی را شامل می‌شود. برای آشنایی بیشتر با این دو مفهوم ابتدا به نظریه‌های اندیشمندان در این دو زمینه، سپس به تحقیقاتی که در زمینه موضوع اصلی پژوهش حاضر است پرداخته شده است. چارچوب نظری تحقیق با توجه به ادبیات تحقیق بسته و رابطه نظری میان دو متغیر سرمایه اجتماعی و احساس امنیت را مشخص شده است و بر اساس چارچوب مدل نظری تحقیق را مشخص کرده و در انتها، فرضیه‌های تحقیق ارائه شده‌اند.

## ۱-۲- مبانی نظری احساس امنیت:

### ۱-۱-۲- مروری بر ادبیات احساس امنیت:

در ادبیات نظری پیرامون امنیت<sup>۷</sup>، دو دیدگاه کلان «نبود تهدید» و «کسب فرصت ها» طرح گردیده است (مک کین لاین/ لیتل، ۱۳۸۰: ۲۹-۱۳). در واقع، امنیت در دو طیف «نفی خطرات» و «دریافت منافع» معنا شده است. به طوری که در صورت وجود دو شرط کلی می توان تحقق امنیت را ادعا نمود. اول آنکه خطر و تهدیدی وجود نداشته باشد و درحالت بعدی زمانی که امکان کسب منافع و دستیابی به اهداف فراهم باشد (نویدنیا، ۱۳۸۴: ۳۷).

«در ماده هشتم اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۹۳ فرانسه آمده است: امنیت عبارت است از حمایتی که جامعه به هر یک از افراد و اعضاء خود برای حفظ جان، حقوق و دارایی آنها اعطا کرده است، در ماده چهارم اعلامیه حقوق بشر سال هشتم انقلاب فرانسه آمده است: امنیت عبارت است از حمایت و معاونت همه جامعه برای تامین حقوق هر یک از اعضاء خود» (ناصری و رحیمی نژاد، به نقل از صالحی فر، ۱۳۸۷: ۵۳).

از دیدگاه پارسونز کنش شامل همه رفتارهای انسانی است که انگیزه و راهنمای آن معنای است که کنشگر آنها را در دنیای خارج کشف میکند، توجهش را جلب میکند و به آنها پاسخ میدهد. اما این کنش اجتماعی با ذهنیت کنشگر تفسیر میشود، یعنی بر مبنای ادراکی که از محیطش دارد، احساساتی که او را بر میانگیزد، افکاری که در سر دارد، انگیزههایی که او را به عمل و میدارد و واکنش هایی که در برابر کنش های خودش دارد (روشه، ۱۳۷۶: ۵۶). بنابر این توجه به احساس امنیت از مقوله امنیت مهمتر مینمایاند به ویژه که احساس امنیت عنصری سرایت کننده است. بدین معنی که احساس امنیت یا عدم امنیت در یک بخش از زندگی، میتواند حوزه های دیگر زندگی را تحت تأثیر قرار دهد همچنین این احساس میتواند به وسیله کنشهای متقابل افراد به دیگر اقشار و یا بخشهای جامعه سرایت کند.

احساس امنیت مقوله مرتبط با درونیات افراد است. اما شرایط شکل گیری این احساس هم به عوامل عینی و هم عوامل ذهنی بستگی دارد. اگر افراد جامعه از لحاظ روانی احساسی از امنیت را داشته باشند کمتر دچار مشکلات مختلف خواهند شد. اطمینان باید در ذهن توده مردم به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه امنیت لازم وجود دارد. بنابراین احساس امنیت که به بعد ذهنی امنیت اشاره دارد پدیده ای ادراکی و احساسی است. این احساس ارتباط بسیار نزدیکی با مقوله رفاه اجتماعی دارد. «به میزانی که افراد جامعه از امکانات مختلفی چون آموزش، بهداشت، رفاه، آزادی و غیره بهره مند گردند، احساس خشنودی از تعلق به چنین جامعه ای داشته و دل بستگی میان آنان تقویت خواهد شد. بالعکس اگر احساس تعلق افراد جامعه با احساس رضایت از زندگی در جامعه توأم نشود به تدریج همبستگی نیز نقصان می یابد. امکانات را می توان به دو دسته کلی مادی و معنوی تقسیم کرد. امکانات مادی مانند برخورداری از بهداشت و معنوی مثل عدالت، برابری و غیره است، برخورداری افراد از چنین مزایایی رضایت آنان را در پی داشته و به تزاید همبستگی منجر می شود» (نویدنیا، ۱۳۸۵: ۳۱).

احساس وابستگی و همبستگی میان اعضای جامعه که ضامن دوام جامعه است زمانی دوام و قوام خود را حفظ می نماید که افراد از امکانات لازم و متعارف برای رشد و ترقی بهره مند شوند، یعنی احساس تعلق نیازمند پشتوانه عینی و واقعی است که با برخورداری افراد از امکانات مادی چون بهداشتی، تربیتی، آموزشی، شغلی و امکانات معنوی مانند آزادی، عدالت و غیره فراهم میشود. (نویدنیا، ۱۳۸۵: ۳۱).

دو وجه تهدید و فرصت در امنیت حکایت از دو روی یک سکه دارد. حریم جامعه که با حفظ و نگهداری از احساس مایی، قدرت مقابله با خطرات را پیدا میکند، زمانی دوام خواهد یافت که افراد با برخورداری از امکاناتی که در سایه جامعه فراهم میشود به آرامش خاطر رسیده و احساس خشنودی و رضایت از داشتن عضویت در چنین جامعه ای را پیدا کنند، یعنی جامعه اعضایش را هم از خطرات محافظت نماید و هم آنان را در رسیدن به خواستها و اهدافشان که موجب بهبود شرایط زندگی میشود کمک نماید.

## ۲-۱-۲- نظریه پردازان احساس امنیت:

۲-۱-۲-۱- دیدگاه جامعه شناسانی که به طور ضمنی به موضوع امنیت پرداخته اند:

## - فردیناند تونیس:<sup>۸</sup>

واژه "امنیت اجتماع"<sup>۹</sup> برای اولین بار توسط تونیس جامعه شناس آلمانی به کار گرفته شد. این مفهوم مرتبط با مفاهیم آلمانی، «گمین شافت»<sup>۱۰</sup> و «گزلشافت»<sup>۱۱</sup> است. گمین شافت یک جامعه مکانیک و سنتی است که از هویت، تجربه و احساس، مفهومی مشترک را ارائه می دهد و با پسوندهای نزدیک، صمیمانه و شخصی، علاقه به رفاه صمیمانه، خصوصی و انحصاری با دیگران است. "ما" بر "من" تفوق دارد، آدمی از بدو تولد مقید به رعایت همه قواعد اجتماع است. (زیتلن و دیگران: ۱۳۷۳: ۲۲۲) گمین شافت ماهیتی تاریخی دارد. اما در گزلشافت فردگرایی و رابطه پولی ویژگی اصلی است. روابط مردم با یکدیگر به صورت رقابتی و تعارضی برای نیل به سود فردی است، احساس مشترکی وجود ندارد که نسلاها را به یکدیگر پیوند و ارتباط دهد (صمدی بگه جان، ۱۳۸۴: ۲۴).

منظور تونیس از بکارگیری واژه امنیت اجتماع بیان ضرورت حفظ و استمرار روابط چهره به چهره و مستقیم در گمین شافت میباشد. امنیت در این جا به مفهوم ماندن افراد عضو چنین گروههایی از فروپاشی یا گسیختگی روابط عاطفی و دلسوزانه است. به نظر تونیس در یک گمین شافت نیاز به نظارت بیرونی و رسمی (قانونی) وجود ندارد زیرا افراد به دلیل نزدیکی به یکدیگر دائم در معرض روابط چهره به چهره اند که نوع این ارتباط باعث کنترل آنها شده و نیازی به ابزارهای رسمی نیست (ازکیا: ۱۳۸۴: ۱۵۵-۱۵۶).

## - کارل مارکس:<sup>۱۲</sup>

مارکس براین باور بود که وجود نظم اجتماعی در جامعه به سبب این است که یکی از طبقه‌های اجتماعی (طبقه قدرتمند) از مزایای اقتصادی ویژه ای در جامعه برخوردار است و به سبب آن میتواند

---

<sup>۸</sup>.Tonnies

<sup>۹</sup>.Community Security

<sup>۱۰</sup>. Gemeinschaft

<sup>۱۱</sup>. Gesellschaft

<sup>۱۲</sup>. Karl Marx

بر پایه قدرتی که در جامعه کسب مینماید بر دیگران (طبقه های پایین) چیره گشته، نظم اجتماعی را که خود مناسب جامعه میداند، تحمیل نماید» (کمالی، ۱۳۷۹: ۶۵).

از نظر مارکس اساسیترین روابط اجتماعی، روابط تولیدیاند همان روابط اجتماعی که در درون خود تولید زندگی مادی ایجاد میگردند. بر مبنای نظر مارکس وقتی نیروهای تولیدی از خطرات و آسیبها مصون بمانند یا دست اندرکاران در روابط تولیدی به کسب منافع خویش نائل گردند، امنیت اجتماعی تحقق یافته است.

«از نظر مارکس تنها حمایت از نیروهای تولید و برخورداری آنان از امنیت شغلی میتواند امنیت بخش جامعه باشد. زمانی که افراد هراس و اضطرابی از تامین مایحتاج زندگی نداشته باشند، جامعه در امان خواهد بود» (مارکس، به نقل از نویدنیا، ۱۳۸۵: ۳۹).

### - ماکس وبر<sup>۱۳</sup>:

وبر در پی یافتن مناظره هایی میان تمایلات فردی و ساختهای اجتماعی است بدون آنکه یکی را مقدم بر دیگری بداند. اساس بحث او در کتاب "اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری" تحلیل تمایلات و رفتارهای فردی بر محور ایستارهای دینی است. حاصل سخن وبر آن است که «بین ساختهای اجتماعی و ماهیت تمایلات فردی، روابط نظام یافته‌ای وجود دارد.» (ورسلی، ۱۳۷۹: ۳۸) بنا بر این وبر بر آن است که تمایلات انسانی در درون جامعه شکل میگیرد. فرد با قرار گرفتن در متن جامعه خویش و با درونی کردن ارزشها و ایستارهای آن تمنیاتی متناسب با نیازهای خویش پیدا میکند. بنابراین نظم اجتماعی ریشه در سازمان جامعه و ایستارها و ارزشهای آن دارد این منافی تمایلات و تمنیات فردی نیست چرا که میان این دو تناظر و ارتباطی سازمان یافته وجود دارد (ورسلی، ۱۳۷۹: ۳۸).

از نظر ماکس وبر هرگاه پایه های فکری و دینی مشروعیت سیاسی در یک جامعه متزلزل شود و به تدریج بسوی نابودی رود ارتباط فرمانده - فرمانبر از حالت اقتدار به حالت اعمال زور تبدیل میشود و رابطه خشن و زورمند و ضعیف پیش میآید وابسته اگر ضعف اصلی کند که میتواند زور را از بین ببرد

---

<sup>۱۳</sup> . Max Weber

علیه آن اقدام خواهد نمود (نجیبی ربیعی، ۱۳۸۳: ۳۲). به طور کل میتوان گفت وبر پایه و اساس نظم و امنیت را عوامل فکری، دینی و مشروعیت سیاسی در نظر میگیرد.

## - امیل دورکیم<sup>۱۴</sup>:

دورکیم ریشه پدیده های اجتماعی را نه در نهاد فرد بلکه در محیط اجتماعی جستجو می کند و بر خلاف هابز که نظم را تابع قرار داد اجتماعی میدانم معتقد است قرار داد نمیتواند اساس سازمان اجتماعی و نظم در نظر گرفته شود زیرا قرار داد بعد از آنکه جامعه سازمان یافته های به وجود آید، ظاهر میشود و نه قبل از آن. از نظر دورکیم فرد یک موجود اخلاقی است که بر اساس قواعد اخلاقی حاکم بر روابط اجتماعی رفتارهای خود را تنظیم میکند و بر این اساس است که در جامعه نظم اجتماعی برقرار میگردد. نظم اخلاقی شامل مجموعه قواعدی است که بر روابط اجتماعی حکم فرماست و این نظم زمانی با اختلال مواجه میشود که جامعه به وضعیت آنومی دچار گردد. از نظر وی آنومی یا آشفتگی اجتماعی میتواند نظم و امنیت جامعه را بر هم زند و احساس نامنی و ناامیدی بر افراد تحمیل نماید، به نظر او «در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسان ها از طریق هنجارها تنظیم و محدود شده است. با از هم پاشیدگی هنجارها، آنومی با یک وضعیت بی حد و حصر به وجود میآید. از آنجا که این آرزوهای بی حد و حصر نمیتوانند ارضا شوند، در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی پیش میآید» (رفیع پور: ۱۳۷۸: ۳۵).

دورکیم در تعریف جامعه می گوید: جامعه عبارت است از افرادی که گرد هم جمع آمده اند و مناسبات و روابطی در میان آنها به وجود آمده، این روابط به وسیله ی مقررات، موسسات یا نهادهای اجتماعی مستحکم شده و برای اجرای این مناسبات و حفظ روابط، مکافات یا ضمانت اجراء، وجود دارد. براین اساس، وقتی همبستگی اجتماعی از خطرات و تهدیدات در امان بماند و شرایط دریافت منافع و امتیازات برایش مهیا باشد، امنیت اجتماعی وجود دارد (نوید نیا، ۱۳۸۴: ۳۸-۳۷). همبستگی بین افراد جامعه میتواند محدود شدن آرزوهای ایشان توسط هنجارها را به منظور حفظ نظم و استحکام جامعه برای افراد قابل تحمل تر و موجه تر کرده و رضایت اجتماعی را به همراه آورد.

---

<sup>۱۴</sup> . E. Durkheim

## - پارسونز<sup>۱۵</sup>:

در نظریه عمومی کنش پارسونز انسجام<sup>۱۶</sup> و اختلال در کارکردهای نظام نشانگانی هستند که میتوان آنها را در حوزه امنیت مورد مطالعه قرار داد. «از دیدگاه پارسونز، جامعه با حفظ و ادامه توانایی نهادهای خویش برای انجام وظایف کارکردیشان ایجاد میشود. یعنی جامعه با ایجاد و پایداری شرایطی ممکن است که هر یک از نهادهای جامعه بتوانند کارکرد خود را انجام داده و به انسجام جامعه تحقق بخشند» (کرایب، ۱۳۷۸: ۴۱).

از نظر پارسونز، زوال جامعه در شرایطی حاصل می شود که اختلالی در ایفای کارکرد خرده سیستم های جامعه بوجود آمده باشد. سرآغاز تمامی نظریه پارسونز که درعین حال آن را در چارچوبی بسیار وسیع مطرح میکند، مفهوم کنش اجتماعی است. کنش از دیدگاه پارسونز شامل همه رفتارهای انسانی است که انگیزه و راهنمای آن معنایی است که کنشگر آنها را در دنیای خارج کشف می کند، توجهش را جلب می کند و به آنها پاسخ می دهد. اما این کنش اجتماعی با ذهنیت کنشگر تفسیر می شود، یعنی بر مبنای ادراکی که از محیطش دارد، احساساتی که او را بر می انگیزد، افکاری که در سر دارد، انگیزه هایی که او را به عمل و واکنش هایی که در برابر کنش های خودش دارد (روشه، ۱۳۷۶: ۵۶).

از نظر روشه نباید مفهوم کنش اجتماعی پارسونز را با رفتار فردی یکی پنداشت. برعکس، او مفهوم کنش اجتماعی را به هر هستی فردی یا جمعی، که بتوان رفتاری از او ادراک کرد که بر مبنای معنای موجود در آن قابل تفسیر باشد، تعمیم می دهد. همچنین نباید از نظر دور داشت که از نظر پارسونز مفهوم کنش اجتماعی تنها در دیدگاه ذهنی کنشگر محدود نمی شود، بلکه پس از پی بردن به ذهنیت کنشگر، می توان کنش اجتماعی را بر مبنای دوگانگی «کنشگر - وضعیت»<sup>۱۷</sup>، که در نظریه کنش پارسونز نقش اساسی دارد، تحلیل کرد. کنشگر پارسونز، موجودی در وضعیت است، زیرا کنش اش پیوسته درک معانی مجموعه نشانه هایی است که او در محیط می یابد و به آنها پاسخ میدهد (روشه، ۱۳۷۶: ۵۷).

---

<sup>۱۵</sup>. parsons

<sup>۱۶</sup>. Cohesion

1- actor - situation

نمادها نیز در دستگاه مفهومی پارسونز نقشی ممتاز دارند، از نظر پارسونز کنش اجتماعی چون پرمعناست لاجرم در پوشش «نمادپردازی»<sup>۱۸</sup> است. از گذر نشانها و نمادهاست که کنشگر محیطش را می شناسد، حس می کند، آن را ارزیابی و در آن دخل و تصرف میکند. (روشه، ۱۳۷۶: ۵۸)

«کارکرد دیگر نماد پردازی در کنش اجتماعی، میانجیگری قواعد رفتار، هنجارها و ارزشهای فرهنگی است و ارزشها، ماهیتی نمادی دارند. مثلا از این لحاظ که، این نمادها هستند که رفتار کنشگران را انتقال پذیر میکنند. به برکت هنجارها و ارزشهای مرجع است که کنش انسانی در نگاه کنشگران دیگر و نیز خود کنشگر در عمل، شفاف میشود، زیرا همه میتوانند در آن معنایی، جهتی و تداومی بیابند. این هنجارها و ارزشها هستند که برای کنشگر هدفها و وسایلی را عرضه میکنند که کنشگر از آنها به عنوان راهنما استفاده میکند و در عین حال به کنش اش هم در نگاه خودش و هم در نگاه کنشگران دیگر معنای خاصی می دهد». (روشه، ۱۳۷۶: ۵۸).

در مجموع از نظر پارسونز کنش اجتماعی از چهار عنصر زیر تشکیل می شود:

- ۱- کنشگر: که میتواند یک فرد، یک گروه یا یک جامعه باشد.
  - ۲- وضعیت: که شامل اشیاء فیزیکی و اجتماعی است که کنشگر با آنها ارتباط برقرار میکند.
  - ۳- نمادها: که به واسطه آنها کنشگر با عناصر متفاوت وضعیت ارتباط پیدا میکند و برای هر یک معنایی قابل میشود.
  - ۴- قواعد، هنجارها و ارزشها: که جهت یابی کنش را هدایت می کنند، یعنی روابطی که کنشگر با اشیاء اجتماعی و غیر اجتماعی محیطش دارد (روشه، ۱۳۷۶: ۵۹).
- پارسونز عقیده دارد افراد هنجارها و ارزشها را درونی میکنند و از طریق آن، ارزشها و هنجارها جزو اعتقادات درونی، امتیازات شخصی و انتظارات افراد از یکدیگر می شود. به نظر پارسونز هرچقدر که ارزشها بیشتر درونی شوند امکان سازگاری فرد با محیط و شرایط اجتماعی خود افزایش یافته و امنیت بیشتری حاصل میشود.
- از نظر پارسونز نظام فرهنگی و قابلیت حفظ ارزشهای فرهنگی جامعه از مهمترین عناصر حفظ نظم در کل نظام اجتماعی است. به نظر پارسونز نظریه پردازان مختلفی، از جمله فروید و دورکیم از دو مسیر



متفاوت به این مسئله اشاره کرده‌اند. هر دوی آنها این نکته را ثابت کرده‌اند که عناصر ساختی کنش انسانی از قواعد، هنجارها و الگوهایی تبعیت می‌کند که عناصر ساختی کنش و مایه انسجام آن هستند. در آثار فروید قواعد رفتار به صورت «فراخود»<sup>۱۹</sup> است که از روا و ناروها و از نشانه‌های معناداری ترکیب شده است که وجدان اخلاقی شخصیت را می‌سازد. در آثاردورکیم، قواعد و الگوهای رفتار، «بازنمایی‌های جمعی»<sup>۲۰</sup> و «وجدان جمعی»<sup>۲۱</sup> نامیده می‌شود، از آنجا که کنش فردی تحت تاثیر فشارهای خارجی است، دورکیم می‌پذیرد که آن را چون «امر اجتماعی»<sup>۲۲</sup> بشناسد (روشه، ۱۳۷۶: ۶۵). بر این مبنا و با توجه به دیدگاه‌های فروید و دورکیم پارسونز عقیده دارد که الگوهای نظام فرهنگی جامعه از طریق هنجارها، ارزشها در وجود افراد نهادینه شده و در عمل جمعی افراد نیز بازنمود دارد.

بر این اساس از نظر پارسونز جامعه در تدوین ارزش‌ها و شکل‌دهی گروه‌ها نقش اساسی ایفا می‌نماید. با فرایند انتقال این ارزشها و درونی‌سازی آن‌ها، در رفتار و افکار تک‌تک افراد جامعه، زمینه برای تعریف و تدوین اهداف به منظور حفظ بقا و رفع نیازهای جامعه مهیا می‌گردد. در این فرایند ارزشها و هنجارهای مشترک پذیرفته شده بر رفتار افراد حاکمیت کرده و یکپارچگی و وفاق عمومی حاصل می‌شود. نتیجه این یکپارچگی و وفاق احساس امنیت افراد در جامعه است.

از نظر پارسونز نظم اجتماعی چهار بعد دارد: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی. دوبر بعد اول و جوه سخت و اثباتی نظم کلان را تشکیل می‌دهند و دو بعد آخر و جوه نرم و اظهاری آن هستند. (چلبی به نقل از نجیبی ربیعی: ۱۳۸۳: ۳۴)

در بعد کلان اقتصاد حوزه تولید و بهره‌برداری است که نمادش ثروت و کارکرد آن تطبق است. سیاست حوزه سازماندهی است که شخصیت را در درون تنظیم می‌کند و چیزی است که در سطح خرد به آن شان یا انگیزه می‌گوییم. پس سمبل آن در بیرون قدرت است و کارکرد آن تحقق اهداف جمعی است.

---

1- superego

2- representation collectives

3- conscience collective

4- fait social

اجتماع حوزه تعاملاتی<sup>۲۳</sup> است که با تعامل احساسات ما شکوفا می شود و سبب آن تعهد و وفاداری است که می تواند در جامعه یگانگی و وحدت ایجاد کند. فرهنگ حوزه تفکر است و حوزه تولید اندیشه که نمادش معرفت است. به زعم پارسنز پایداری هر نظام استلزاماتی و شرایطی دارد. یکی اینکه حداقلی از این عناصر در آن وجود داشته باشد. دوم ایفای کارکرد هم بکند. سوم ضمن تعامل منطقی و مناسب از یکدیگر استقلال نسبی داشته باشد. یعنی باید هم هماهنگ باشد. پارسنز هم چنین بر موزاییکی نبودن نظم اجتماعی و نیز عدم حاکمیت یک ارزش مرکزی در جامعه تاکید می کند. (عبداللهی به نقل از نجیبی ربیعی: ۱۳۸۳: ۳۴)

### -چلبی:

چلبی به پیروی تقسیم بندی پارسونز برای امنیت صورت می دهد او معتقد است چهار علقه عام برای انسان وجود دارد؛ که می توان آنها را از هم تفکیک کرد. علقه شناختی (فرهنگی)، علقه مادی (اقتصادی)، علقه جمعی (اجتماعی) و علقه امنیتی (سیاسی). (چلبی ۱۳۷۵: ۶۷)

در بعد علقه امنیتی انسان به عنوان موجودی هدفمند و بالقوه مضطرب (انسان با چهره سیاسی) جهت حفظ آرامش صیانت خود در ارتباط با محیط های اثباتی و اجتماعی در صدد تحقق اهداف خود است. برای علقه امنیت می توان چهار بعد اساسی قائل شد. شامل:

۱. امنیت مالی (اقتصادی)

۲. امنیت جانی / بهداشتی (سیاسی)

۳. امنیت جمعی / گروهی (اجتماعی)

۴. امنیت فکری (فرهنگی) (چلبی: ۱۳۸۳: ۳۲)

چلبی معتقد است در آنجا که نفع امنیتی کنشگران برجسته می شود و روابط بین آنها صبغه سیاسی به خود میگیرد، سوگیری آنها نسبت به یکدیگر حائز خصلت خاص گرا و عاطفی می شود و بالعکس. وی

---

<sup>۲۳</sup>.oitcaretnin

ناامنی را ناشی از تضعیف اعتماد اجتماعی فرض کرده که خود ریشه در سیاسی شدن نظم اجتماعی دارد، به بیان او «در صورتی که نظم اجتماعی در جامعه‌های بیشتر صبغه سیاسی به خود بگیرد و ابعاد اجتماعی - فرهنگی آن تضعیف شود، یعنی ضعف در اجتماع عام و وفاق اجتماعی عام، به همان نسبت نیز روابط بین کنشگران در تمام سطوح بر اساس سوگیری عاطفی و خاصگرا به صورت دوست و دشمن تعریف می شود و به همان نسبت میزان اعتماد اجتماعی متقابل و تعمیم یافته، تضعیف گشته و علقه امنیت آنها برجسته می گردد. در چنین نظامی افراد و گروهها احساس امنیت مالی، جانی، فکری و جمعی نمیکنند».

(چلبی: ۱۳۷۵: ۷۶)

می توان گفت توافق اساسی در تعریف و تمایز روشن چهارمقوله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود ندارد و تلاش می کند بر تعریف آنها پردازد. آنچه که مساله پژوهش حاضر ربط می یابد بیشتر بعد سیاسی نظم اجتماعی است؛ چرا که امنیت در آن قرار گرفته است و از نظر تحلیل، سیاست در نابترین شکل اثباتی خود قابل تحویل به پنج عنصر اصلی و در عین حال مرتبط به هم است. شامل: زور، علقه امنیتی، کنش های عاطفی، کنشگران و رابطه اجباری.

## ۲-۱-۲-۲- امنیت از دیدگاه نظریه پردازان امنیت :

### - بوزان<sup>۲۴</sup>:

«باری بوزان» و «اولی ویور» به عنوان تئورسین های بحث امنیت ملی<sup>۲۵</sup> شناخته می شوند. این دو اندیشمندان در مطالعات خود پی به تفاوت های میان امنیت ملی و امنیت جامعه ای بردند. (تذکر این نکته

---

<sup>۲۴</sup> . Buzan

2. National Security

ضروری است که، امنیت جامعه ای در برخی متون با عنوان امنیت اجتماعی بیان شده است، در این پژوهش برای جلوگیری از التقاط این موضوع با تأمین اجتماعی، از اصطلاح امنیت جامعه ای استفاده شده است. توضیح بیشتر در ادامه ارائه شده است).

مقوله امنیت جامعه ای برای اولین بار توسط باری بوزان به صورت منسجم مورد توجه قرار گرفت. بوزان امنیت جامعه ای را متفاوت از امنیت دولتی و دیگر وجوه امنیت مورد بررسی قرار داد.

بوزان ابتدا به تشریح امنیت فرد<sup>۲۶</sup> می پردازد: «فرد، واحدی غیرقابل تقسیم در مفهوم امنیت است. امنیت فردی به تحقیقات حاضر در شبکه روابط و تناقضات بین امنیت شخصی و امنیت دولت ارتباط پیدا میکند. «دولت»، منشاء اصل تهدید و نیز امنیت افراد است. با توجه به اینکه افراد منبع ناامنی یکدیگر هستند، مساله امنیت فردی ابعاد گسترده تر جامعه ای و سیاسی پیدا می کند.» (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۱)

امنیت جامعه ای از نگاه بوزان به قابلیت الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط است. (نویدنیا، ۱۳۸۵: ۴۰). از این منظر با حفظ عناصر اصلی انسجام اجتماعی جامعه، تحقق شرایط امن برای بقا و تداوم جامعه میسر می شود.

از نظر بوزان امنیت اجتماعات بشری به پنج مقوله تقسیم می شود: «**نظامی، سیاسی، اقتصادی، جامعه ای و زیست محیطی**» (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). **امنیت نظامی** یا ظرفیتهای دفاعی و تهاجمی دولت ها با ظرفیت نظامی دولتها دیگر مرتبط است. به خاطر استفاده از زور، کنشهای درون بخش نظامی به عنوان تهدیدهای ممکن برای همه بخشهای دیگر در نظر گرفته میشوند. و از اینرو به طورسنتی بیشترین اولویت را در مفاهیم امنیت کسب می کنند. **امنیت سیاسی** در مورد ثبات سازمانی دولت است و ممکن است در جهت سرنگون کردن حکومت و یا دفاع از ایدئولوژی ها و نهادهای حکومتی، هدایت شود. به عبارت دیگر، امنیت سیاسی ناظر بر تداوم سازمانی دولتها، سیستمهای حکومتی و ایدئولوژی هایی است که به آنها مشروعیت می بخشندند. **امنیت جامعه ای** از نظر بوزان به حفظ مجموع ویژگی هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه جامعه ای قلمداد می کنند و با هویت اجتماعی و احساسات مشترکی که یک واحد جمعی را می سازد، مرتبط است. در واقع امنیت جامعه ای به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است. **امنیت**

---

<sup>۲۶</sup> . Individual Security